

## رقابت در نظام سرمایه‌داری

در جامعه‌ای که مناسباتش بر اساس نظام سرمایه‌داری است، رقابت یکی از عناصر تعیین‌کننده‌ی روابط بین سرمایه‌داران با هم از یک طرف و کارگران با هم از طرف دیگر است. در چنین جامعه‌ای ثروتمندترین ثروتمندان، با بهره‌ای که از پولشان می‌گیرند، می‌توانند به زندگی خود ادامه دهند، ولی بقیه باید یا با سرمایه‌ی خود کاری دست و پا کنند و یا آن را در بازار بگذارند. در این حالت رقابت میان سرمایه‌داران مختلف شدیدتر می‌شود، سرمایه‌داران بزرگ، سرمایه‌داران خرد را نابود می‌کنند و بخشی از آن‌ها جزئی از طبقه‌ی کارگر می‌شوند.

بنابراین بر نیروی کار افزوده می‌شود که نتیجه‌ی آن کاهش دستمزدها و عرصه‌دار میدان رقابت شدن چند سرمایه‌دار بزرگ خواهد بود.

با کم شدن تعداد سرمایه‌داران، رقابت میان سرمایه‌داران تا جایی ادامه می‌یابد که بازار در دست تعداد معدودی از سرمایه‌داران باقی بماند. تا وصول به چنین حالتی ماشین‌ها دم به دم نو می‌شوند، کالاهای تازه‌تری به بازار عرضه می‌شوند و هر یک از رقیبان می‌کوشد تا تمایزی در محصول خود به وجود آورد که برتریش را به رقیب نشان دهد. در این حالت، قیمت کالاها همواره در حال نوسان است و لیکن بر ثروت سرمایه‌داران بزرگ افزوده می‌شود.

افزایش ثروت موجب رونق کار می‌شود و در نتیجه کسب و کارهای جدیدتری راه‌اندازی می‌شوند که این شرایط نیاز به کارگران بیشتر را افزون می‌کند. در این وضعیت، کارگران می‌توانند نیروی کار خود را گران‌تر بفروشند که همین امر موجب شدت گرفتن رقابت و فاصله بین کارگران خواهد شد.

با بالا رفتن دستمزدها، رقابت بین سرمایه‌داران برای پول‌دار شدن بر کارگران هم مستولی خواهد شد و ذهن و جان آن‌ها را فرا خواهد گرفت. پس در نظام سرمایه‌داری آنچه اتفاق می‌افتد این است که سرمایه‌داران، به رقابت با هم می‌پردازند و در مقطعی موجب رونق کار کارگران می‌شوند، ولی با ورشکسته‌شدن بعضی از سرمایه‌داران به سمت طبقه‌ی کارگر رانده می‌شوند، که در نتیجه افزایش نیروی کار موجب رقابت میان کارگران می‌شود و بنابراین قیمت کارشان پایین می‌آید. این وضعیت در نظام کارخانه‌ای به اوج خود می‌رسد. به عبارت دیگر رقابت میان سرمایه‌داران باعث خواهد شد تا لایه‌های زیرین طبقه‌ی متوسط یعنی سرداگرهای خُرد، کاسب‌کارها، دست‌فروش‌ها، پیشه‌وران و دهقانان رو به ورشکستگی بگذارند و به صف‌های کارگران بپیوندند، چون سرمایه‌ی ناچیزشان کفایت لازم را برای راه‌انداختن صنعت جدید ندارد و در نتیجه در رقابت با سرمایه‌داران بزرگ از پا در می‌آیند، که همین امر موجب افزایش تعداد کارگران و تشدید رقابت میان آن‌ها می‌شود.

در این جا به دیالکتیک روابط میان کار و سرمایه می‌توان پی برد. یعنی از یک طرف رقابت میان سرمایه‌داران موجب رونق کار کارگران خواهد شد و از طرف دیگر با ورشکستگی تعدادی از سرمایه‌داران و افزایش نیروی کار رقابت میان کارگران هم افزوده‌تر خواهد شد. به مفهوم دیگر، در چنین جامعه‌ای که در ابتدا مطلوب وضعیت کارگران است، چون تقاضا برای نیروی کار وجود دارد، ولی در نهایت موجب رقابت میان کارگران خواهد شد که نتیجه‌ی آن کار بیش از حد، مرگ زودرس، تنزل آن‌ها تا سطح ماشین و مطیع سرمایه‌دار شدن است. ورود ماشین‌های جدید، تقسیم کار مجدد، ساده‌شدن کارها، میدان رقابت را برای کارگران تنگ‌تر می‌کند. چون هرچه کار ساده‌تر باشد زودتر هم آموخته می‌شود که این حالت موجب کاهش دستمزدها خواهد بود.

با محدود شدن سرمایه‌داران و اتحاد میان بعضی از آن‌ها، کارگران نیز نیاز به اتحاد را احساس می‌کنند، ولی به همان نسبت که اتحاد میان سرمایه‌داران امری متداول و طبیعی است اتحاد میان کارگران ممنوع و دارای عواقب دردناکی است.

اما نفس پیشرفت در دوران سرمایه‌داری این است که سرمایه‌داران هرچه بیشتر متحد می‌شوند، ولی در درونشان رقابت وجود دارد همچنان که کارگران هم اگرچه در

مقابل سرمایه‌داران نیاز به اتحاد را حس می‌کنند، ولی باز هم در بین خودشان به رقابت برمی‌خیزند.

به عبارت دیگر، افراد جداگانه تنها تا آن‌جا طبقه‌ای را تشکیل می‌دهند که نبرد مشترکی را علیه طبقه‌ی دیگر پیش ببرند، ولی در همین حال ممکن است تا سرحد دشمنی با هم به رقابت بپردازند. با افزایش تعداد کارگران، رقابت میان آن‌ها شدیدتر، غیرطبیعی‌تر و خشن‌تر می‌شود. در نتیجه بخشی از طبقه‌ی کارگر به بی‌چیزی و بی‌نوابی می‌غلطند، درست بر اساس همان ضرورت که بخشی از سرمایه‌داران متوسط جزیی از طبقه‌ی کارگر می‌شوند.

بنابراین، اگرچه در مقطعی رقابت موجب پیشرفت اجتماعی می‌شود و ثروت و رفاه جامعه را افزایش می‌دهد، ولی رقابت میان سرمایه‌داران به ورشکستگی پاره‌ای از آن‌ها می‌انجامد و رقابت میان کارگران به ناپایداری موقعیت شغلی‌شان منجر می‌شود که حتا ممکن است برخی از آن‌ها کارشان را هم از دست بدهند.

در نتیجه بشر باید به آن‌چنان نظامی بیندیشد که همیاری را جایگزین رقابت می‌سازد و منادی اتحاد انسان‌هاست.

مقاله‌ی علمی در مجله‌ی علمی